

در درجه‌بندی امسال تعدادی از معلم‌های آموزش و پرورش در اعتراض به مطالبات صنفی خود، مقابل وزارت کار تجمع کردند که مورد خشمون قرار گرفتند باز داشت شدند. تعدادی از افسار مختلف جامعه در اعتراضات دی‌ماه که در کشور انجام شد، بازداشت شدند و ... که در میان بازداشت‌شدگان از دانشجوی گرفته تا کارگر حضور داشتند. این در حالی است که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد است. از همان روزها فرمانداری تهران به این نتیجه رسید تا محل‌هایی را برای اعتراضات مردم در نظر بگیرد. احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران نیز پس از آنکه عیسی فرهادی، فرماندار تهران پیشنهاد کرد که «محلی را برای اجتماعات مردم در تهران تعیین کنیم تا هر که خواست اعتراض کند به آنجا برود و مسئولان هم آنجا در جمع مردم حاضر شوند»، خبر از ورود پارلمان شهری پایتخت به این ماجرا داد و مصوبه‌ای را به تصویب اعضای شورای اسانده که شهرداری را موظف به تعیین محلی برای اعتراضات مردمی کرد. حال دیروز خبر رسید که وزارت کشور برای اصلاح آیین‌نامه تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی، مصوب ۱/۶/۳۱ و ۸۱ پیش‌نویس لایحه اصل ۲۷ قانون اساسی اقدام کرد. البته شورای اسانده تهران هم به موضوع ورود کرد اما با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، موضوع در وزارت کشور دنبال شد. سلمان سامانی، سخنگوی وزارت کشور در ۲۷ بهمن خبر داد که نشست مشترک مسئولان ارشد وزارت کشور با معاونت حقوقی ریاست جمهوری برای بررسی راهکارها و مبانی قانونی اجتماعات و راهپیمایی‌ها در زمینه تحقق مطلوب اصل ۲۷ قانون اساسی برگزار شد. او گفت: «در این جلسه با پیشنهاد معاونت ترویج قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری مقرر شد علاوه بر اصلاح قانون احزاب در جهت تسهیل بر خودراری احزاب از این حق، آیین‌نامه اجرایی تأمین امنیت اجتماعات قانونی مصوب ۱۳۸۲ هیات وزیران مورد بازنگری و

شبکه‌های اجتماعی از تعیین مکان‌های برگزاری تجمعات مردمی در تهران خبر دادند

جایی برای اعتراض



شاف‌سازی قرار گیرد. همچنین با توجه به صراحت اصل ۲۷ قانون اساسی و عدم تبیین شرایط مقرر در این اصل توسط قانون عادی، بر تدوین لایحه برای قانون‌گذاری در این عرصه تأکید شد. حال بر اساس پیشنهادت وزارت کشور و تصمیم دو روز قبل دولت، وزنگاه‌های دستجردی، تختی، معتمدی، آزادی و شهید شیروی، بوستان‌های گشتوگو، طالقانی

ولایت، پردیسان، هنرمندان، شهر و ضلع شمالی مجلس شورای اسلامی به عنوان محل‌های مناسب تجمع در کلاشهر تهران تعیین شدند. **معترضان باید دچار مکافات نشوند** در این رابطه حجت‌نظری، عضو شورای شهر تهران درباره پیگیری روند این طرح در شورای شهر به «قانون» می‌گوید: «بعد از اینکه این طرح در

باید مجوز داشته باشند، افزود: «این طور نیست که هر گروهی بدون مجوز بتواند به آن مکان‌ها برود و اعتراض کند. مصوبه‌ای که ما داشتیم این بود که شهرداری جاهایی را مشخص کند که مردم در آنجا تجمع کنند. بعد از اینکه شورای شهر آن را مصوب کرد، به هیات تطبیق مصوبات در فرمانداری رفت. آنجا هیات تطبیق، مصوبه ما را به این استناد که در حیطه وظایف و اختیارات شوراسانده، رد و اعلام کرد که این در حیطه وظایف و اختیارات شورای اسانده است». او سرنوشت این طرح در شورای شهر را مسکوت اعلام کرد و گفت: «حالا به موازات این طرح وزارت کشور یا شورای اسانده بخواهد کاری را انجام دهد، ما از آن استقبال می‌کنیم». یکی از شرایط ایجاد مکان‌های عمومی برای اعتراضات و تجمعات مردم این است که تجمع کنندگان و معترضان امنیت جانی داشته باشند و بدانند که بعد از این اعتراض‌ها برای‌شان مکافات پیش نمی‌آید.

این موضوعی است که قاسم میرزایی‌نیکو، عضو کمیسیون شوراهای مجلس در گفت‌وگو با ایلنا مطرح کرده و گفته است: «باید مشخص شود اگر فری در محل قانونی تجمعات حضور پیدا می‌کند، بعدها مکافات نمی‌کشد و کسی به آن‌ها تعرض نمی‌کند». این نماینده مجلس درباره تعیین محل‌های مناسب برای برگزاری تجمعات از سوی دولت که در پی قضایی‌دی اقداماتی صورت گرفت، گفت: «شهرداری جایی را برای برگزاری تجمعات مشخص و به وزارت کشور هم این محل‌ها را معرفی کرد. وزارت کشور بعد از معرفی این مکان‌ها به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخت، مانند بررسی موقعیت و اینکه تجمعات صنفی، سیاسی و یا اجتماعی هستند». وی با بیان اینکه وزارت کشور برای این امر با احزاب هم مشورت کرد، گفت: «این مهم در دولت تصویب شد، معتقدم هر حرکتی در جهت باز شدن فضاهایی که مردم بتوانند با حساب و کتاب حرف‌ها و صحبت‌های خود را بیان کرده و کسانی هم آن‌ها گوش کنند، کار بسیار خوبی است».

تحمل شنیدن صدای مخالفان این طرح در حالی مورد قبول عده‌ای قرار گرفته است که بیم آن می‌رود هیچ وقت اجازه برگزاری تجمع در این مکان‌ها داده نشود و تنها به عنوان

نامی که جلوه‌ای خوش از حضور دموکراسی را به نمایش می‌گذارد، باقی بماند. در این رابطه حسین کمالی، رییس‌خانه احزاب ایران در گفت‌وگو با «قانون»، پیگیری دولت برای انجام چنین کاری را راهی برای بیان اعتراض‌ها به صورت قانونمند می‌داند و می‌گوید: «من فکر می‌کنم این نگرانی حکومت را از اعتراض‌های مردمی نشان می‌دهد که باعث شده این تصمیم را بگیرند. الان دولت مستقر است و همه چیز را تحت کنترل خود دارد حالا اجازه می‌دهد عده‌ای هم بیایند و نظرات خود را مطرح کنند و به گوش مسئولان برسانند. با این کار، مردم شاید بتوانند حرف خودشان را بزنند و به صورت بغض اجتماعی دچار خفقان نشوند. تعداد جمعیت خاموش کم شود و جمعیت فعال تعدادش بیشتر می‌شود. نظامی که دارد کشور را اداره می‌کند، باید همدلی مردم را داشته باشد و نسبت به اعتراضات بر خود چکشی نداشته باشند».

او در پاسخ به این سوال که چرا معترض باید به محل اعتراض تعیین شده به‌وسیله دولت بیاید و حرفش را بزند، گفت: «این تصمیم مثبت است چون به هر حال نشان می‌دهد که پذیرفته‌اند در جامعه اعتراض‌هایی وجود دارد و مردم باید حرفشان را بزنند. ما از صفر داریم حقوق‌مان را پیگیری می‌کنیم. تا به حال اجازه اعتراض هم نداشتیم، حالا به ما گفته‌اند که بیاید اعتراض و تجمع کنیم. اگر بشود آنجا اعتراض و تجمع کرد و بعد این اعتراض را به وسط شهر کشاند تا صدای ما شنیده شود، این حرکت مثبتی است».

البته این تصمیم دولت و اصلاح آیین‌نامه اجرایی تأمین امنیت اجتماعات قانونی، قدم اول در اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی و ایجاد زمینه برای برگزاری تجمعات قانونی است. قدم بعدی، دادن مجوزهای لازم برای برگزاری تجمع‌هایی بوده که در قانون اساسی هم حق آن به شهروندان داده شده است. این مجوزها را باید استانداردی و فرمانداری‌ها به مردم بدهند. البته سخنگوی وزارت کشور گفته است که قانون عادی برای شرایط اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی تاکنون تبیین نشده است، بنابراین به تدوین قانون عادی برای اجرای این اصل قانون اساسی هم نیاز است.

نامه وارده

آقای وزیر، «پرورش» را در یابید!

حمید سنجرى

وزیر محترم آموزش و پرورش، نمی‌دانم این نامه به دست جنابعالی می‌رسد یا نه یا اگر برسد به آن توجهی می‌شود یا خیر. من نه اصغر فرهادی هستم و نه صادق زیباکلام که اگر نامه‌ای نوشته‌ام تیرا اول رسانه‌ها شود و نه فلان سیاستمدار یا صاحب‌قدرت هستم که اگر کوچک‌ترین سخنی یا رفتاری من منتشر شود، ده‌ها تحلیلگر و فعال سیاسی موشکافانه کلمه به کلمه آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و رسانه‌های موقف در مدح و ثنای آن و رسانه‌های مخالف در مذمت و نکوهش آن گوی سبقت را از یکدیگر برانند. من فقط یک معلم ساده و کاملاً گمنام در شهرستانی دورافتاده در جنوب استان کرمان هستم که اگر خیلی خوش اقبال باشم، سختم و نوشته‌ام نهایتش مورد توجه‌اشکاران و دوستان نزدیکم قرار می‌گیرد اما با عشق به ایران عزیز و فرزندانش این نامه سرگشاده‌ام منتشر نمی‌کنم شاید که به دست جنابعالی و دیگری نی‌چون شمار سردم‌مرد توجه قرار بگیرد. آقای بطحایی، در کشور ما بعضی از پناه‌ها هستند که ماهیت و عملکردشان به نام و عنوان پرطمطراق آن‌ها نمی‌خورد و هیچ‌گونه سخت‌نستی بین این دونیست متلاً مالکیتی داریم به نام بانک رفاه کارگران اما اینکه این بانک محترم کدام رفاه‌رابر ای کدام کارگران ایجاد می‌کند، خدمتی داند یا وزارتخانه‌ای داریم به نام وزارت جهاد کشاورزی که خروجی عملکرد آن وزارت محترم به این صورت است که به عنوان مثال قیمت پیاز یک‌روزگی کیلویی ۵۰ تومان است و روزی دیگر ۵۰۰ تومان یاد حالی که کشور ما با خشکسالی زمزم و کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کند، هر کسی از هر صنفی



بافرهنگ‌تر و باشخصیت‌تر از افراد کتاب‌خوان هستند و در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و متقدم، سرمایه‌مطالعه و کتاب‌خوانی با است و همچنین در اکثر کشورهای عقب‌افتاده غیرمتقدم، سرمایه‌مطالعه و کتاب‌خوانی پایین است. «جناب آقای بطحایی، یکی از اقدامات اساسی و بنیادین که در مقوله پرورش و تربیت می‌توان انجام داد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای اثباتی دادن دانش آموزان با کتاب و تشویق آنان به مطالعه کتاب‌هایی متناسب با ذوق و سلیقه رده‌سنی آنان است که باید توسط کارشناسان مورد بررسی قرار گیرد. توجه فرمایید که این فقط یک پیشنهاد معمولی توسط عضو کوچکی از جامعه میلیون‌ها معلمان و فرهنگیان است که چنانچه اراده‌ای در آن وزارت محترم بر برای بهبود و جدی گرفتن پرورش و تربیت و فرهنگ وجود داشته باشد، سیل پیشنهادات و ایده‌های بسیار بر تر و خردمندانه‌تر است که توسط معلمان و مدیران و کارشناسان خبره و آگاه ارائه آن وزارت محترم می‌شود.

وافراد مدرک‌دار می‌خواهد؟ ما که دیگر امروز حتی بخش زیادی از رانندگان محترم تاکسی‌ها و آژانس‌های مسافربری و ... کشورمان را افراد قبول شده در امتحانات و کنکور و مدرک تحصیلی‌دار تشکیل می‌دهند. وزیر محترم آموزش و پرورش، باور بفرمایید امروز مشکل جامعه ما آمار و در صد قبولی امتحانات و کنکور و ... نیست که ما تمام هم و غم و تلاش‌مان در چنین مواردی شده است. مشکل امروز جامعه ما، روابط انواع و اقسام ناهنجاری‌های اجتماعی و کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و انسانی است که ریشه بسیاری از این مسائل در عدم تربیت و پرورش صحیح در مدارس است. آقای وزیر، شما را به خاک مقدس ایران سوگند می‌کنم که برای پاسداری از هر آنچه خون هزاران زن و مرد زاده ریخته شده است، «پرورش» را در یابید. بیایید انسان تربیت کنید، نه «تست‌زن» و وزیر محترم من گمان می‌کنم جنابعالی و هر انسان آگاه و خردمندی با گزاره‌ای که منظر من موافق باشنید که «اثر افکار کتابخوان بسیار باادب‌تر و

بهرترین مدارس محلی از اعراب ندارد، پرورش و تربیت و کار فرهنگی است. این وضعیت بهترین مدارس کشور است، سایر مدارس که دیگر بمانند سرور گرامی، می‌دانید مشکل از کجاست؟ مشکل از مدیران و معلمان دلسوز و سختکوش این بهترین مدارس و سایر مدارس نیست؛ مشکل از آن روند و نگاه غلطی است که امروز در مجموعه آن وزارت محترم حاکم است که در حالت کلی اگر بخواهند و توانایی و شایستگی و بازدهی یک معلم یا مدیر را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهند، کاری به این ندارند که آن معلم یا مدیر، چقدر قانون‌مداری و مدنیت و فرهنگ و راستگویی و ادب و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی را در دانش‌آموزان پرورش داده‌اند و نهادینه کرده‌اند و ناهنجاری‌ها و رذایل اخلاقی را کاهش داده‌اند و در یک کلام به «پرورش» اهمیت داده‌اند، بلکه به این کار دارند و اهمیت می‌دهند که آمار و در صد قبولی سالانه و امتحانات نهایی و رتبه‌های برتر کنکور دانش‌آموزان چگونه است و معیار سنجش توانایی و بازدهی یک معلم و مدیر چنین مواردی است و نتیجه آن شده است که در این مجموعه‌ها از آن معلم مدرسه‌عشاری بگیر تا تمامی معلمان و مدیران مدارس خاص و عام و ادارات آموزش و پرورش در رایتی نفسگیری و تمام‌شدنی، تمامی هم و غم و تلاش‌شان را بر این گذاشته‌اند که آمار بالای قبولی و رتبه‌های برتر کنکور را کسب کنند

و مقاله‌ای به نام «پرورش» همچون کودکی بی‌سرپرست به حال خود رها شده است و وزیر گرفتار، آنچه امروز در مدارس ماتریت می‌شود «تست‌زن حرفه‌ای» است، نه انسان که نتیجه آن ۱۵ میلیون پرونده قضایی در نوبت رسیدگی و ثبت رکورد هر دقیقه یک نتراز و ... شده است. آقای بطحایی به کی‌جا داریم می‌رویم؟ این مملکت دیگر چه تعداد پزشک و مهندس و لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتر

و در هر منطقه‌ای و به هر مقدار و به هر روشی که دلش می‌خواهد، هندوانه می‌کارند؛ آن هم هندوانه‌ای که به طور متوسط برای هر کیلویش ۱۲۸۶ لیتر آب مصرف می‌شود و آخر سر با کمال افتخار آن هندوانه را با قیمتی نامتجز به کشورهای عربی صادر می‌کنند با طبق فرمایش معاونت آن وزارت محترم در کشورمان، بیش از ۳۵ هزار حلقه چاه آب غیرمجاز داریم اما همچنان نام آن نهاد محترم، وزارت جهاد کشاورزی است. سرتران را در ده دنیاورم؛ یکی از نهادهای از این دست، وزارت آموزش و پرورش است. وزیر محترم، کدام پرورش؟ کدام تربیت؟ اصلاً کدام آموزش کار بردی؟ اگر خواهیم نام دقیقی با توجه به ماهیت و عملکرد این وزارت انتخاب کنیم باید نام این وزارت محترم را وزارت آموزش حفظی و غیرمفهومی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور گذاشت. آقای بطحایی، الهی و بران ششود این کنکور که بهترین دوران زندگی بهترین فرزندان ایران را در لایه‌ای گزینده‌های آزمون‌های آزمایشی و اصلی اش به باد داد و در آمد خانواده‌ها را در موسسات کنکوری و کلاس‌های خصوصی و عمومی و آزمون‌های آزمایشی‌شان که در هر کوی و برزن هر شهر دور و نزدیک شیعیه و نمایندگان دارند، به بغماداد. شما نیک‌می‌دانید که بهترین مدارس این کشور، مدارس استعداد‌های درخشان و نمونه‌دولتی هستند.

اما یک نگاهی به این بهترین مدارس کشور ببیندیم، ببینیم در آن‌ها چه می‌گذرد. آقای بطحایی، از صبحگاه تا عصر کلاه ورود در خروج دانش‌آموزان، سسولات برترکار، سسولات خیلی سخت، مجموعه سسولات طبقه‌بنده شده، فلان موسسه کنکوری، مجموعه سسولات آزمون‌های آزمایشی بهمان موسسه کنکوری، نمونه سسولات امتحانات نهایی و ... آموزش می‌دهند و آنچه که در این

آموزش

آسیب‌های اجتماعی علیه کودکان و نوجوانان روز بیشتر می‌شود

اورژانس اجتماعی در مدارس

گروه جامعه

از بهترین محافل برای پیگیری از اعتدال را در اختیار دارد. ساختار آموزش و پرورش این اجازه را می‌دهد تا به بهترین شکل ممکن افراد در معرض اعتیاد را شناسایی کرده و به اورژانس اجتماعی ارجاع دهند. شایسته است که به جای اختصاص یک وزارت آموزش و پرورش نیز در این باره گفته که برنامه شناسایی، درمان و مددکاری دانش‌آموزان در معرض خطر و دارای اختلال سوء مصرف مواد مخدر، از سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در مدارس کشور با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و درمان و سازمان بهزیستی کشور با محوریت ستاد مبارزه با مواد مخدر آغاز شد. قبل از اجرای طرح اورژانس اجتماعی دانش‌آموزان، سازمان‌های مختلف سابقه‌ای در مداخلات مربوط به درمان و بازتوانی دانش‌آموزان درگیر با اختلالات سوء مصرف مواد مخدر نداشتند. مدیرکل دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه راه‌اندازی طرح اورژانس اجتماعی دانش‌آموزان نیازمند هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و ارائه شیوه‌نامه‌های اجرایی بود، عنوان کرد: در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ طرح اورژانس اجتماعی دانش‌آموزان با برگزاری کارگاه‌های مختلف آغاز شده و با اقدامات مختلف و استفاده از تجربیات قبلی دستورالعمل‌های مربوط به شناسایی و بازتوانی دانش‌آموزان در معرض خطر تدوین شد. در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ دستگاه‌های همکار طرح اورژانس اجتماعی دانش‌آموزان، اعم از وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی کشور و قوه قضاییه نسخه‌های بروزسانی شده شیوه‌نامه اجرایی این طرح را تهیه و تدوین کرده‌اند. وی با بیان اینکه در سال تحصیلی جدید طرح اورژانس اجتماعی وارد فاز جدی‌تری می‌شود، عنوان کرد: تجربه اورژانس اجتماعی دانش‌آموزان کشور موجب شد تا آموزش و پرورش بعد از مقدمات فراهم شده در زمینه شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر مصرف مواد مخدر، گام‌های بزرگ‌تری را برداشته و علاوه بر موضوع مصرف مواد به موضوعاتی مانند خودکشی و سایر آسیب‌های اجتماعی در مدارس بپردازد.

آسیب

زمین‌مندان قانون سلب حضانت از والدین مشکل‌دار

بچه‌هایی که تاوان بی‌پولی بهزیستی را می‌دهند

گروه جامعه

سال گذشته گزارشی از خانواده‌ای در رسانه‌ها منتشر شد که در آن پدر خانواده‌قرص‌تقویتی خورده بود و دو دختر خود تجاوز می‌کنند. این دخترها روزها در یک کارگاه آبکاری فلزات زندگی می‌کردند. «مسعود»، مددکار جمعیت امام‌علی در برابر این خانواده می‌گوید: «پدر خانواده حتی قرص تقویتی می‌خورد که شب‌ها به بچه‌هایش تعرض کند. بچه‌ها از او می‌ترسیدند و به آدم‌های دیگر به راحتی اعتماد کردند. فاطمه در هشت سالگی برای مدتی هر روز به پناه بهستی و ... به کارگاه چوب بری کشیده می‌شد و آنجا مورد تجاوز قرار می‌گرفت. کار به جایی رسید که او به این وضعیت شدم، از خودم ۱۰ سالش بیشتر نبود اما حتی بالال فروش و کله‌بز محل نیز به او دست‌درازی کرده بودند و با دریافت‌های دو هزار تومانی و پنج هزار تومانی، این کار هر روزش شده بود». مسعود درباره وضعیتی که به آن اعتیاد جنسی می‌گویند، ادامه می‌دهد: «کار به جایی رسید که خودش آمد پیش ما و گفت از این وضعیت خسته شده‌ام، از خودم بدم می‌آید. او را به بهزیستی بردیم، اما آنجا هم به خاطر مشکلات روان‌شناختی زیادی که برایش پیش آمده بود، انیت می‌کرد و بعد از دو ماه خودشان او را به خانه برگرداندند. یکی از وقت‌هایی که ما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمک‌های ترک اعتیاد تماس بگیریم». اما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمک‌های ترک اعتیاد تماس بگیریم». اما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمک‌های ترک اعتیاد تماس بگیریم». اما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمک‌های ترک اعتیاد تماس بگیریم». اما با پلیس تماس گرفتیم، گفتند ساعت ۱۲ شب حکم ورود به منزل نداریم و مجبور شدیم با کمک‌های ترک اعتیاد تماس بگیریم».